

## اخبار و گزارش های کارگری 8 اردیبهشت ماه 1405

28 آوریل (8 اردیبهشت) روز جهانی ایمنی و بهداشت کار

لاپوشانی آمار قربانیان حوادث کاری و بیماری های شغلی و آمارسازی های قلابی توسط حاکمیت ضد کارگری حکومت اسلامی ایران را افشا کنیم،

با مبارزه با رعایت نکردن اصول ایمنی و بهداشتی کار بدلیل سود اندوزی و طمع ورزی کارفرمایان (خصوصی و دولتی) و عدم پایبندی دولت به موازین بین المللی در راستای تبدیل کردن رعایت اصول ایمنی و بهداشتی کار به خواست عمومی حرکت کنیم،

همبستگی با کارگران از کارافتاده و خانواده های کارگران جان باختة بر اثر حوادث کاری و بیماری شغلی را با خواست تامین مالی آنها توسط نهادها و صندوق های ذیربط اعلام کنیم.

زنده و جاوید باد خاطره 20 کارگریخون خفته کارخانه جهان چیت کرج بفرمان رژیم سلطنتی پهلوی  
در 8 اردیبهشت ماه 1350

2 هزار کارگر کارخانه جهان چیت کرج در اعتراض به شرایط کاری دردناک کارخانه های محمدصادق فاتح یزدی، روز 8 اردیبهشت ماه سال 1350 دست به تظاهرات خیابانی زدند و تصمیم داشتند پیاده به سوی تهران راهپیمایی کنند، ژاندارم ها بفرمان رژیم سلطنتی پهلوی در کاروانسرای سنگی برویشان آتش گشودند و 20 نفر از کارگران جانشان را از دست دادند.

یاد و خاطرشان جاویدان باد

- سیاست های ظالمانه و ضد حقوق بشری حاکمیت ذیل عنوان «آرایش جنگی» را محکوم می کنیم.

تداوم کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» در ۵۶ زندان مختلف در هفته صد و هجدهم

- ادامه کنش های جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در اعتراض به اخراج از کار بیش از 300 عضو هیئت علمی این دانشگاه با 9 ماه حقوق معوقه از طرف رئیس دانشگاه فرهنگیان و وزیر آموزش و پرورش

- پایان جنگ برای علوم پزشکی، تداوم انزوا در دانشگاه شیراز

- به صدا درآمدن ناقوس جنگی دیگر؛ صف طولانی بیکاران

- جنگ نابودی امید است

- عفوبین الملل: مقامات حکومت ایران آنلین مردم ایران در تاریکی دیجیتالی

- روایت صداهای خاموش شده؛ مردم ایران چگونه هزینه بن بست سیاسی و جنگ را با بیکاری و تورم می دهند؟

- اصفهان؛ بیش از سه ماه بلا تکلیفی ایلیا بن رشید و انتساب اتهام محاربه به وی

- فریبرز کهن زاد بازداشت شد

- تداوم بازداشت مصطفی محمدحسن

- جان باختن کارگر راه سازی بر اثر واژگونی بولدوزر در ارتفاعات میربهاال ارومیه

\*\*\*\*\*

\*سیاست‌های ظالمانه و ضد حقوق بشری حاکمیت ذیل عنوان «آرایش جنگی» را محکوم می‌کنیم.

تداوم کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۵۶ زندان مختلف در هفته صدو هجدهم

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در صدو هجدهمین هفته با خانواده زندانیان اعدام‌های اخیر ابراز همدردی می‌کند و به جان‌باختگان راه آزادی و برابری درود می‌فرستد.

طی هفته گذشته سه زندانی سیاسی قیام دی ماه ۴۰۴ با اسامی امیرعلی میرجعفری از تهران، عرفان کیانی از اصفهان و عامر رامش اهل سیستان و بلوچستان در روند قضایی ناعادلانه اعدام شدند و پیکر دو تن از آنان به خانواده‌هایشان تحویل داده نشد. بی‌شک سیاست ناپدیدسازی قهری که حکومت در پیش گرفته مصداق جنایت علیه بشریت است.

در اقدام ضد انسانی دیگر حکومت دو زندانی دیگر را به اتهام جاسوسی به نام‌های مهدی فرید و سلطان‌علی شیرزادی به دار آویخت.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» اخیراً مطلع شده است که در زندان‌های مختلف، زندانیان سیاسی و بازداشتی‌های اخیر را بی‌پروا مورد ضرب و جرح و شکنجه و هتک حرمت قرار می‌دهند. شکنجه‌گران با تراشیدن موی سر، فحاشی و هتاک می‌کوشند زندانیان را تحقیر کنند این رفتار وقیحانه غیر انسانی حتی هنگام بردن زندانیان به پای چوبه‌ی دار به مراتب بدتر است.

ما آگاهیم که دستور مقامات ارشد استبداد دینی حاکم مبتنی بر «آرایش جنگی» دست دستگاه قضایی را برای تضییع حقوق بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه و جنگ اخیر بیشتر باز گذاشته است و این به معنای نادیده گرفتن تمامی حقوق قانونی آنان و صدور احکام سنگین بدون دادرسی عادلانه و منصفانه زندانیان است.

حکومت نامشروع ولایت فقیه از ترس قیام و اعتراضات مردمی با مصادره کوچه و خیابان‌های شهرها و ایجاد رعب و وحشت در جامعه و همچنین اعدام‌های روزانه در زندان‌ها نشان داده که در حقیقت دشمن اصلی خود را مردم می‌داند نه هیچ کشور خارجی دیگر. بنابراین بسیار مهم و ضروری است که در این روزهای پر التهاب و سرنوشت‌ساز مردم آزادی‌خواه ایران و تمامی فعالان و مدافعان «نه به اعدام» در مقابله با سرکوب‌های حکومت سکوت نکنند و صدای اسیران در زندان و محکومان به اعدام باشند و در خاموشی اینترنت در ایران، جامعه بین‌الملل و سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری نیز بیش از همیشه به موضوع سرکوب و اعدام باید توجه نمایند و به هر شکل ممکن

حکومت ایران را تحت فشار قرار دهند و کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل نسبت به بازدید از بازداشت‌گاه‌ها و زندانیان و زندان‌های ایران اقدام جدی به عمل آورند.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» ضمن محکومیت این سیاست‌های ضد مردمی مستبدانه در هفته صد و هجدهم روز سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ در ۵۶ زندان زیر در اعتصاب غذا هستند:

زندان اوین (بند زنان و مردان)، زندان قزلحصار (واحدهای ۲ و ۳ و ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان فردیس کرج، زندان تهران بزرگ، زندان قرچک، زندان خورین ورامین، زندان چوبیندر قزوین، زندان اهر، زندان اراک، زندان لنگرود قم، زندان خرم‌آباد، زندان بروجرد، زندان یاسوج، زندان اسدآباد اصفهان، زندان دستگرد اصفهان، زندان شیبان اهواز، زندان سپیدار اهواز (بندهای زنان و مردان)، زندان نظام شیراز، زندان عادل‌آباد شیراز (بندهای زنان و مردان)، زندان فیروز آباد فارس، زندان دهدشت، زندان زاهدان (بندهای زنان و مردان)، زندان برازجان، زندان رامهرمز، زندان بهبهان، زندان بم، زندان یزد (بند زنان و مردان)، زندان کهنوج، زندان طبس، زندان مرکزی بیرجند، زندان مشهد، زندان گرگان، زندان سبزوار، زندان گنبد کاووس، زندان قائمشهر، زندان رشت (بند مردان و زنان)، زندان رودسر، زندان حویق تالش، زندان ازبیرم لاهیجان، زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، زندان اردبیل، زندان تبریز، زندان ارومیه، زندان سلماس، زندان خوی، زندان نقده، زندان میاندوآب، زندان مهاباد، زندان بوکان، زندان سقز، زندان بانه، زندان مریوان، زندان سنندج، زندان کامیاران و زندان ایلام.

هفته ۱۱۸

۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

#کارزار\_سه‌شنبه‌های\_نه\_به\_اعدام

\*ادامه کنش‌های جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در اعتراض به اخراج از کار بیش از 300 عضو هیئت علمی این دانشگاه با 9 ماه حقوق معوقه از طرف رئیس دانشگاه فرهنگیان و وزیر آموزش و پرورش

روز سه‌شنبه 8 اردیبهشت، جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان از ادامه کنش‌هایشان در اعتراض به اخراج از کار بیش از 300 عضو هیئت علمی این دانشگاه با 9 ماه حقوق معوقه از طرف رئیس دانشگاه فرهنگیان و وزیر آموزش و پرورش، خبر دادند.

جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان از حل نشدن مشکل خود بعد از ماه‌ها پیگیری خبر دادند و به خبرنگار رسانه ای گفتند: بیش از 300 عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، در دولت فعلی از دانشگاه اخراج شده‌اند و بیش از 9 ماه است کلیه حقوق و مزایای ما قطع شده است.

اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان گفتند: به اخراج غیرقانونی خود بارها اعتراض کرده‌ایم و با پیگیری‌های مستمر نمایندگان کمیسیون‌های آموزش، تحقیقات و فناوری و کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس، ستاد دولت بویژه معاون حقوقی رییس‌جمهور، بازرس ویژه رییس‌جمهور و معاون

پارلمانی رییس‌جمهور، موضوع اعتراض مورد بررسی دقیق قرار گرفت و با تایید حقانیت اعضای هیئت علمی و در جهت محق بودن استادان اعلام نظر کرده‌اند.

آنها افزودند: با وجود تایید حقانیت اعضای هیئت علمی از سوی مراجع مختلف قانونی و تمام اسناد و مدارک مثبت به نفع اساتید، تاکنون رئیس دانشگاه فرهنگیان و وزیر آموزش و پرورش از اجرای قانون استتکاف کرده و بر تضييع حقوق اساتید پافشاری می‌کنند.

اساتید اخراج شده دانشگاه فرهنگیان ادامه دادند: وزیر آموزش و پرورش و رئیس دانشگاه فرهنگیان، سال‌ها خدمت صادقانه و خالصانه علمی و آموزشی اعضای هیئت علمی را تضييع و کلیه حقوق و مزایای آنان را به مدت بیش از 9 ماه قطع کرده‌اند.

آنها اضافه کردند: ما را در سختی معیشت و تنگنای اقتصادی قرار داده‌اند و با اعضای هیئت علمی و خانواده‌هایشان ناعادلانه رفتار کرده‌اند.

آنها گفتند: این رفتار نه فقط ضرر و زیان مادی که حتی زیان معنوی بسیاری به ما رسانده و در برخی موارد زندگی خانوادگی برخی از اساتید را هم تحت تاثیر قرار داده است.

آنها افزودند: در زمان جنگ به دلیل قطع طولانی مدت کلیه حقوق و مزایای ماهانه اعضای هیئت علمی و ابر تورم موجود در جامعه، اساتید تمام اندوخته و داشته‌های خود را مصرف کرده و به پایان رسانده بودند و به دلیل مشکلات حاد اقتصادی در زیر موشک و بمباران مانده و نتوانستند خود و خانواده‌هایشان را به مکان امن منتقل نمایند.

از جمله خواسته‌ی این اساتید عزل رییس دانشگاه فرهنگیان است و تاکید دارند: حضور ایشان در دانشگاه آسیب جدی به مجموعه دانشگاه وارد کرده است که قابل جبران نیز نخواهد بود. ضمناً ایشان عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان نبوده و مدت ماموریت شان نیز از مورخ 23 بهمن ماه 1404 در دانشگاه تمام شده است.

آنها درخاتمه گفتند: باید به فوریت و در اسرع وقت، دستورات صریحی برای بازگشت به کار و برقراری مجدد احکام اشتغال به کار استادان اخراجی دانشگاه فرهنگیان صادر شود.

آنها همچنین خواستار دریافت حقوق و مزایای معوقه‌ی نه ماهه‌ی خود - که از تیر ماه 1404 تاکنون پرداخت نشده است- هستند.

### **\*پایان جنگ برای علوم پزشکی، تداوم انزوا در دانشگاه شیراز**

با توجه به کیفیت پایین آموزش مجازی، مشکلات جدی در دسترسی به اینترنت و اختلال در پیشبرد پروژه‌ها، پایان‌نامه‌ها و دروس عملی، شورای صنفی خواستار بازگشت فوری آموزش حضوری شده است. همچنین با توجه به حضوری شدن دانشگاه علوم پزشکی شیراز، این پرسش مطرح است که چرا دانشگاه شیراز همچنان مجازی مانده است. در کنار این مطالبه، پیشنهاد شده برای دانشجویانی که امکان حضور ندارند، تسهیلاتی مانند حذف ترم بدون سنوات یا حذف اضطراری در نظر گرفته شود.



شماره: ۱۴۰۵۰۲۰۷۰۱

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷

پیوست: ندارد



شورای صنفی دانشجویان  
دانشگاه شیراز

هیئت رئیسه محترم دانشگاه شیراز

با سلام و احترام

احتراماً، به استحضار می‌رساند، تداوم برگزاری کلاس‌ها به صورت مجازی در شرایطی که کیفیت این شیوه آموزش به طور جدی مورد انتقاد دانشجویان است، محل پرسش و اعتراض جدی بدنه دانشجویی می‌باشد. کیفیت پایین بسترهای مجازی، مشکلات مکرر در اتصال به اینترنت، و کاهش محسوس سطح تعامل آموزشی عملاً موجب افت کیفیت یادگیری شده و این روند، در صورت استمرار، خسارات جبران‌ناپذیری به فرآیند آموزشی وارد خواهد کرد. در حوزه‌های عملی و پژوهشی، این وضعیت به مراتب نگران‌کننده‌تر است. عدم دسترسی به کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و سایر زیرساخت‌های آموزشی باعث توقف یا کندی جدی در پیشبرد پروژه‌ها، پایان‌نامه‌ها و فعالیت‌های علمی دانشجویان شده است. این شرایط به‌ویژه برای دانشجویان دارای واحدهای عملی و تحصیلات تکمیلی، عملاً به معنای اختلال در مسیر تحصیلی آنان است.

در این میان، پرسش اساسی که به‌درستی در میان دانشجویان مطرح است، این است که:

وقتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز از ابتدای هفته آینده آموزش حضوری را از سر می‌گیرد، چرا دانشگاه شیراز همچنان بر تداوم آموزش مجازی اصرار دارد؟

این سؤال زمانی جدی‌تر می‌شود که توجه کنیم خوابگاه دستنپیچ به صورت مشترک میان دانشجویان دانشگاه شیراز و دانشگاه علوم پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چگونه در یک فضای مشترک، امکان حضور و فعالیت آموزشی برای یک دانشگاه فراهم است، اما برای دانشگاه دیگر چنین امکانی وجود ندارد؟ این دوگانگی، نه تنها از نظر منطقی قابل توجیه نیست، بلکه موجب سردرگمی و نارضایتی گسترده در میان دانشجویان شده است.

با توجه به آرام بودن شرایط عمومی کشور و فراهم بودن امکان بازگشت به وضعیت عادی، تداوم این وضعیت بیش از آنکه مبتنی بر ضرورت باشد، به‌عنوان نوعی تعلل در تصمیم‌گیری تلقی می‌گردد.

لذا شورای صنفی دانشجویان دانشگاه شیراز، به صورت جدی و صریح، خواستار آن است که هرچه سریع‌تر نسبت به از سرگیری آموزش حضوری در دانشگاه اقدام گردد و از ادامه روندی که به‌وضوح کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار داده، جلوگیری شود.

در عین حال، برای رعایت شرایط متفاوت دانشجویان، ضروری است تمهیدات حمایتی لازم از جمله امکان حذف ترم بدون احتساب در سنوات و یا حذف اضطراری دروس (به‌ویژه دروس عملی)، مشابه رویه اتخاذ شده در دانشگاه علوم پزشکی، برای دانشجویان دانشگاه شیراز نیز فراهم گردد.

بدیهی است استمرار وضعیت فعلی، نه تنها پاسخ‌گوی مطالبات دانشجویان نخواهد بود، بلکه تبعات آموزشی و رفاهی آن متوجه مدیریت دانشگاه خواهد بود.

پیشاپیش از توجه و همراهی شما در جهت ارتقای کیفیت آموزش و صیانت از حقوق دانشجویان، صمیمانه سپاسگزاریم.

با تشکر

حسن مرادی سوق

دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشگاه شیراز



شورای صنفی دانشجویان  
دانشگاه شیراز

آدرس: شیراز، میدان ارم، دانشگاه شیراز ساختمان معاونت فرهنگی، طبقه اول دفتر شورای صنفی دانشجویان

ایمیل: [Shorasenfi.shirazuni@gmail.com](mailto:Shorasenfi.shirazuni@gmail.com)

شورای صنفی دانشجویان دانشگاه شیراز

\*به صدا در آمدن ناقوس جنگی دیگر؛ صف طولانی بیکاران

یک کارگر شاغل در شهرک صنعتی تبریز می‌گوید: وضعیت اشتغال به شدت خراب است. به شهرک‌های صنعتی که مراجعه می‌کنیم، هیچ کارخانه‌ای حتی اجازه نمی‌دهد فرم استخدام پر کنیم؛ ما راه نمی‌دهند و می‌گویند نیرو نمی‌خواهیم. حجم نیروی کار بیکار بسیار بالاست و همین مسئله باعث شده کارفرمایان و تیم مدیریت در شرکت ما، به شدت دنبال بهانه‌جویی و اخراج کارگران باشند.

سه هفته از شروع آتش‌بس متزلزل می‌گذرد. شاید صدای بمب‌ها و آذیرهای خطر خاموش شده باشد اما در سقف‌های بلند و دودگرفته‌ی کارخانه‌ها، ناقوس جنگی دیگر به صدا درآمده است؛ جنگی خاموش اما ویرانگر که البته تازگی ندارد، بلکه تنها نقاب عوض کرده و با شدتی بی‌سابقه شعله‌ور شده است. این، تقابل همیشگی سرمایه با نیروی کار است.

در این روزهای پرالتهاب، اخبار تلخ تعدیل نیرو و تعطیلی کارخانه‌ها به تیتتر تکراری رسانه‌ها بدل شده است. اما روی دیگر سکه، واحدهای تولیدی پابرجایی هستند که چرخ اقتصادشان همچنان می‌چرخد، اما به بهانه‌ی همین شرایط بحرانی، شرایط را برای کارگران سخت‌تر کرده‌اند. آن‌ها با حذف مزایای پیشین، فشاری مضاعف بر گرده‌ی کارگران وارد می‌کنند.

برای لمس این واقعیت، به سراغ یکی از همین شریان‌های اقتصادی رفتیم؛ «گروه صنعتی سهند» در میانه‌ی راه تبریز و شهر سهند. مجموعه‌ای عظیم که با دربرگرفتن چندین کارخانه از جمله «شیشه آذر»، عملاً به یک شهرک صنعتی بدل شده و بیش از 2100 کارگر را در دل خود جای داده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، روایت یکی از کارگران این مجموعه از روزمره‌های سخت و سایه‌ی سنگین بحران بر سر نیروی کار است.

### صدای بی‌صدایان؛ روایتی از درون خط تولید

این کارگر، پیش از هر چیز شمایی از گستردگی محل کارش در کارخانه «شیشه آذر» (از زیرمجموعه‌های گروه صنعتی سهند) ترسیم می‌کند؛ مجموعه‌ی عظیمی که با بخش‌های پرشماری همچون سهند فلوت، سهند سیلیس، شیشه سکوریت و خط آینه، سرنوشت و روزمرگی کارگران بسیاری را به چرخ‌دنده‌های خود گره زده است.

وقتی از این کارگر درباره‌ی وضعیت تعدیل نیرو در روزهای پس از جنگ می‌پرسم، پرده از واقعیتی تلخ برمی‌دارد: «تعدیل نیرو به آن شکل در اینجا نداشتیم، اما پس از جنگ شرایطی به وجود آمد که ظاهراً دست کارفرما برای اخراج کارگران بسیار بازتر شده است.»

### سایه سنگین تورم و آب رفتن مزایا

او در تشریح روند نزولی کیفیت کار و معیشت، به تاریخچه‌ی خصوصی‌سازی این مجموعه اشاره می‌کند و می‌گوید: «واقعیت این است که این مجتمع در گذشته دولتی بود. حدود پانزده تا بیست سال پیش آن را به بخش خصوصی واگذار کردند. تا زمانی که دولتی بود، کارگران از امتیازات خوبی برخوردار بودند، اما از زمان واگذاری، رفته‌رفته شروع به حذف آن مزایا کردند. به‌مرور با راه‌اندازی خطوط تولید جدید، دیگر کلاً آن امتیازات را برای کارگران در نظر نگرفتند.»

این کارگر با اشاره به افت شدید خدمات اولیه رفاهی ادامه می‌دهد: «در این دو سال و نیمی که من اینجا مشغولم، مدام در کیفیت غذا و امکاناتی که به کارگران می‌دهند کمبود و نقص ایجاد کرده‌اند. برای مثال، ما باید هر شش ماه یکبار لباس و کفش کار دریافت کنیم اما مدت‌هاست که لباس کار با سایز مناسب در کارخانه پیدا نمی‌شود؛ به ناچار همه مجبورند لباس‌ها و کفش‌های سایز بزرگتر از خودشان را تحویل بگیرند.»

درد دل‌های او به مسئله‌ی همیشگی کارگران، یعنی تعویق دستمزدها و پاداش‌های ناچیز در برابر تولید انبوه کشیده می‌شود: «در حال حاضر حقوق‌هایمان را با یک ماه تاخیر و معوقه پرداخت می‌کنند. سال گذشته پس از اعتراضات و تجمعات محدودی که شکل گرفت، طرح طبقه‌بندی مشاغل را برای کل کارخانه اجرا کردند که باعث شد حقوق‌ها کمی بهتر شود؛ اما با این اوضاع تورمی، دستمزد اصلاً پاسخگوی هزینه‌ها نیست. پاداشی که به ما می‌دهند آن‌قدر ناچیز است که حتی نمی‌توان نامش را پاداش گذاشت. پاداش از یک سال و نیم پیش تاکنون، هیچ افزایشی نداشته و همان حدود یک میلیون تومان مانده است؛ آن هم در کارخانه‌ای که تولید بسیار بالایی دارد و محصولاتش به کشورهای خارجی صادر می‌شود.»

نکته‌ی قابل تامل اینجاست که بهانه‌ی جنگ برای این مجموعه مصداقی ندارد، چرا که به گفته‌ی این کارگر، آن‌ها در تامین مواد اولیه کاملاً خودکفا هستند: «ما اصلاً با مشکل کمبود مواد اولیه مواجه نبودیم، زیرا مواد خام محصولات ما ارتباطی به پتروشیمی‌ها ندارد. بخشی از مواد اولیه را از معادنی تأمین می‌کنیم که متعلق به خود گروه صنعتی سهند است و موادی مانند سیلیس، دولومیت و کربنات آهک از آنجا استخراج می‌شود.»

اما پس از جنگ، فشارها روی کارگران شدت یافته است. او ترس از اخراج را این‌گونه توصیف می‌کند: «ببینید، ما پیش از این هم امکانات رفاهی چندانی نداشتیم که حالا بخواهند از ما بگیرند. مسئله این است که قبل از جنگ، اگر اعتراضی می‌کردیم یا خواسته‌ای داشتیم، حتی اگر به خواسته‌مان نمی‌رسیدیم، حداقل با ما برخورد قهری نمی‌کردند. اما پس از آغاز جنگ، به‌خصوص بعد از این جنگ اخیر، شرایط تغییر کرد. چون بعضی کارخانه‌ها آسیب دیدند و تعطیل شدند، نیروی کار بیکار در تبریز به شدت افزایش یافت. در حال حاضر، اگر کسی کوچکترین اعتراضی بکند و خواسته‌ای داشته باشد، خیلی راحت او را اخراج می‌کنند. در همین مدت کوتاه، چند نفر از کارگران را تنها به دلیل اعتراض به جابه‌جایی‌های غیرمنطقی بین واحدها اخراج کردند. فقط از واحد ما که حدود چهل تا پنجاه نفر پرسنل دارد، سه نفر را به جرم اینکه معترض بودند به اینکه جایشان را تغییر می‌دهند، اخراج کردند؛ آن هم در حالی که همه‌ی ما کارگر ماهر و متخصص محسوب می‌شویم.»

با وجود مهارت بالای پرسنل، حقوق‌ها همچنان پایین است: «در این کارخانه به دلیل اتوماسیون و رباتیک بودن خطوط، بیشتر پرسنل به عنوان اپراتور یا در واحدهای فنی مشغول به کارند و مابقی که در بخش خدمات هستند، به نوعی کارگر ساده محسوب می‌شوند. در مورد افزایش حقوق هم باید بگویم که کارفرما هیچ افزایش حقوقی از طرف خودش لحاظ نکرده است؛ تنها همان مصوبه‌ی شورای عالی کار به علاوه مبلغ ثابت را روی طرح طبقه‌بندی اعمال کرده‌اند و هیچ مزیت اضافی فراتر از قانون وزارت کار به ما نداده‌اند.»

## نفس‌های به شماره افتاده در غبار سیلیس

یکی از حیاتی‌ترین مشکلات کارگران این بخش، مسئله‌ی «سختی کار» و فرار کارفرما از پرداخت آن است؛ آن هم در محیطی که ذرات معلق سیلیس، نفس‌ها را به شماره می‌اندازد: «محیط اینجا شامل قانون سختی کار می‌شود، اما کارفرما حق بیمه‌ی مشاغل سخت را پرداخت نمی‌کند. کارگران هنگام بازنشستگی مجبورند ماه‌ها دوندگی و شکایت کنند تا کارفرما با هزار بهانه و سنگ‌اندازی، در نهایت مابه‌التفاوت حق بیمه را بپردازد. یعنی برای کارگرانی که مشغول به کارند، از ابتدا سختی کار رد نمی‌کنند. در حال حاضر هم تیم مدیریت با هماهنگی اداره کار، در تلاش است تا با برنامه‌ریزی‌هایی، کل کارخانه را از شمول قانون سختی کار خارج کند.»

این کارگر در پاسخ اینکه آیا از نظر قانونی می‌شود این کارخانه را از سختی کار خارج کرد می‌گوید: «از نظر منطقی و قانونی، امکان خروج کارخانه از سختی کار وجود ندارد. ما با مواد پودری سروکار داریم که گرد و غبار زیادی تولید می‌کند. استنشاق گرد سیلیس و گرد شیشه به شدت برای ریه‌ها مضر و خطرناک است. علاوه بر این، لرزش و سروصدای مهیب دستگاه‌ها نیز آسیب‌زاست؛ بنابراین قطعاً باید سختی کار شامل حال ما بشود. اما مدیریت، سرپرست واحد ایمنی شرکت را کنار گذاشته و فرد دیگری را آورده است تا گزارش‌هایی تهیه کند که حداقل سختی کار را از روی چند واحد تولیدی بردارند.»

این کارگر در پاسخ به وضعیت نمایندگی و تشکل‌های کارگری در کارخانه نیز جوابی تلخ دارد: «ما در اینجا شورای اسلامی کار و انجمن صنفی نداریم. نماینده کارگری هم کارکردی برای ما نداشته. برای مجموعه‌ای با این عظمت و هزاران کارگر، نماینده‌ای وجود دارد که من کارگر در این دو سال، حتی یکبار هم او را ندیده‌ام؛ با وجود اینکه دو سال پیش انتخابات آن برگزار شد.»

## آوار بیکاری در شهر و ضرورت همبستگی

درد این کارگر تنها محدود به سوله‌های خودشان نیست؛ او با چشمانی باز، ویرانی صنایع تبریز و آوارگی هم‌طبقه‌ای‌هایش را می‌بیند: «در این مدت دو کارخانه مهم تبریز را بمباران کردند؛ یکی کارخانه بلبرینگ‌سازی و دیگری چرخش‌گر. همچنین کارخانه لوله و پروفیل در شهرک سلیمی هم آسیب دید. کارخانه بلبرینگ‌سازی که کاملاً نابود شد و کارخانه چرخش‌گر هم از کار افتاد که باعث بیکاری تمام کارگرانشان شد. خود من به عنوان شغل دوم در جای دیگری کار می‌کردم که پس از جنگ، نه به خاطر بمباران، بلکه به دلیل بحران‌های اقتصادی تعطیل شد و تمامی کارگران را اخراج کردند. یکی از دوستان خودم که بیست سال در یکی از همین کارخانه‌ها سابقه کار داشت، بیکار شده و آمده در شرکت ما فرم استخدام پر کرده است، اما استخدامش نکردند. من واقعاً نمی‌دانم این خانواده‌های کارگری بدون حقوق و درآمد، در این مدت چگونه می‌خواهند زندگی کنند.»

او در ادامه راجع به شرایط کاری کارگران این شهر می‌گوید: «وضعیت اشتغال به شدت خراب است. به شهرک‌های صنعتی که مراجعه می‌کنیم، هیچ کارخانه‌ای حتی اجازه نمی‌دهد فرم استخدام پر کنیم؛ ما را راه نمی‌دهند و می‌گویند نیرو نمی‌خواهیم. حجم نیروی کار بیکار بسیار بالاست و همین مسئله باعث شده کارفرمایان و تیم مدیریت در شرکت ما، به شدت دنبال بهانه‌جویی، اذیت و آزار و

اخراج کارگران باشند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که صفی از کارگران بیکار نیازمند، پشت درهای کارخانه ایستاده‌اند تا جایگزین ما شوند.»

او در پایان می‌گوید: «پیش از آغاز این جنگ ویرانگر، حداقل کورسوی امیدی وجود داشت تا کارگران برای طرح مطالباتشان متشکل شوند و از یکدیگر حمایت کنند. در همین شرکت خودمان هم تحرکاتی برای همبستگی در جریان بود؛ اما اکنون با این جنگی که به کشور تحمیل شده، آن فرصت‌ها واقعاً از دست رفته است. در این شرایط جنگی چه کسی بیشترین ضرر را می‌دهد؟ ما کارگران زحمتکشی که کارخانه‌هایمان را بمباران کردند. در همان کارخانه بلبرینگ‌سازی، چندین کارگر بی‌گناه جان خود را از دست دادند؛ آن هم به خاطر جنگی که امپریالیسم آمریکا علیه ما به راه انداخته است. کارگران باید به این آگاهی برسند که دشمنان خارجی بیش و پیش از هر کس دیگری، دشمن سرسخت کارگران ایران هستند.»

### بخش پایانی: کارگران؛ قربانیان همیشگی

وقتی غبار بمباران کارخانه‌های «بلبرینگ‌سازی» و «چرخش‌گر» فرونشست، شاید در اخبار و معادلات کلان، تنها آمار خسارات مادی و جان‌باختن چند کارگر مخابره شد؛ اما در پس این ویرانی فیزیکی، ترکش‌های اصلی این تخاصمات، پیکره‌ی بی‌دفاع طبقه کارگر را در تمام شهر شکافت. هر قدمی که این بحران پیش می‌رود، دستاوردهای رفاهی و معیشتی کارگران سال‌ها به عقب رانده می‌شود.

تجربه نشان داده است که در سایه‌ی جنگ و بحران، تضاد طبقاتی نه تنها به آتش‌بس تن نمی‌دهد، بلکه برخی کارفرمایان با سوءاستفاده از این وضعیت اضطراری، با جسارت بیشتری به سفره‌ی کارگران تعرض می‌کنند. در مجموعه‌هایی مانند گروه صنعتی سهند که با داشتن معادن اختصاصی، حتی بهانه‌ی کمبود مواد اولیه را هم ندارند، صدای آژیر خطر صرفاً بهانه‌ای شد برای دادن لباس‌کار نامناسب، تعویق حقوق‌ها و تلاش برای حذف حق «سختی کار» در میان غبار کشنده‌ی سیلیس.

آن کارگر با بیست سال سابقه که پس از تخریب کارخانه‌اش حالا آواره‌ی شهرک‌های صنعتی شده، تجسم عینی همان «صف طولانی بیکاران» است؛ صفی که امروز به برنده‌ترین ابزار ارباب در دست مدیریت بدل شده تا صدای هر اعتراضی به جابه‌جایی‌های غیرمنطقی یا دستمزدهای ناچیز را با تهدید اخراج، در نطفه خفه کند. کارگران، چه آن‌ها که زیر آوار کارخانه‌های بمباران‌شده جان دادند و چه آن‌ها که در خطوط تولید پابرجای شهر، با دستمزد حداقلی استثمار می‌شوند، قربانیان مشترک این کارزار نابرابرند. در غیاب نمایندگان واقعی و تشکل‌های مستقل، تنها راه بقا، همان درک مشترکی است که از دل خطوط تولید می‌جوشد: بعضی وقت‌ها فشار ویرانگر خارجی، بهانه‌ای می‌شود برای استثمار داخلی.....

گزارش رسانه ای شده بتاريخ 8 اردیبهشت

**\*جنگ نابودی امید است**

حسن مرتضوی

سومین جنگ زندگی‌ام بود و احتمالاً به زودی با چهارمین جنگ روبرو خواهیم شد. جنگ فقط جراحت، مرگ و ویرانی نیست. دیدن تکه‌های بدن آدم‌ها، تن‌های بی‌سر، سرهای بی‌تن، دست و پاهای کنده‌شده، دریایی از خون، کوهی از دود و خرابه و سنگ نیست، تماشای حیرت‌زده‌ی اسکلت‌ده‌ها ساختمان بی‌در و پیکر نیست. فقط فریاد زنان و کودکانی آغشته به خاک که چون مجسمه‌های مبهوت به اطراف می‌نگرند نیست. فقط نابودی خانه و کاشانه و سرپناه و اثاث خانواده‌ای نیست که عمری با مشقت کار کرده و به یک لحظه همه چیز نابود می‌شود. جهاز زوج جوانی نیست که حتی از بسته‌بندی خارج‌نشده سوخته و نابود شده‌اند. حتی شبها و روزهای دربه‌دری نیست که در این خانه یا آن خانه فقط می‌گذرانی با انبوهی صدا و خاطره و یاد و غصه روزگار بی‌روزگارت را طی می‌کنی. جنگ فقط اضطرابی نیست که هر لحظه در وجودت چنگ می‌زند که این صدای جنگنده که بالای خانه‌ات به پرواز درآمده چه کسی را هدف گرفته؟ کجا را می‌خواهد نابود کند؟ نوبت من است؟ نه همه این‌ها هست و نیست. اما چیزی فراتر از همه این‌هاست: جنگ نابودی امید است؛ نابودی چیزی است که مفهوم زندگی نامیده می‌شود: همه چیز بی‌معنا، بیهوده و بی‌حس و حال می‌شود: چرا بنویسم؟ چرا بخوانم؟ چرا عشق بورزم؟ چرا بخورم؟ چرا زنده بمانم؟ چرا بجنگم؟ نفس جنگ اثبات ناتوانی فرد انسان است و این از همه زجرآورتر است.

### **\*عقوبین الملل: مقامات حکومت ایران آنلین مردم ایران در تاریکی دیجیتال**

امروز، 28 آوریل، دو ماه از زمانی می‌گذرد که بیش از 90 میلیون نفر در ایران در پی قطع اینترنتی که از 28 فوریه توسط مقامات اعمال شده، همچنان از دسترسی به اینترنت محروم هستند. این قطع ارتباط، خطر وقوع جنایات فجیع علیه جمعیت را تشدید کرده است. همچنین بر معیشت میلیون‌ها نفر تأثیر گذاشته، موجب سختی‌های اقتصادی شده و حقوق اجتماعی-اقتصادی را بیش از پیش تضعیف کرده است. قطع اینترنت همچنین مانع از انتشار اطلاعات درباره نقض قوانین بین‌المللی در ایران می‌شود.

در همین حال، برخی مقامات جمهوری اسلامی همچنان آزادانه از اینترنت استفاده می‌کنند و حتی به‌طور مداوم و بی‌پروا در شبکه‌های اجتماعی پست منتشر می‌کنند.

دسترسی به اینترنت یک حق انسانی است.

مقامات ایرانی باید فوراً دسترسی به اینترنت را برقرار کنند.

### **\*روایت صداهای خاموش شده؛ مردم ایران چگونه هزینه بن‌بست سیاسی و جنگ را با بیکاری و تورم می‌دهند؟**

در قلب صنعت فرش‌بافی مشهور ایران، تولید تقریباً به حالت تعلیق درآمده است. واحدهای لبنیاتی برای یافتن بسته‌بندی شیر و کره با مشکل مواجه‌اند و کارخانه‌های عظیم فولادسازی که روزگاری چرخ‌دنده‌های اقتصاد ایران را به حرکت درمی‌آوردند، اکنون خاموش شده‌اند.

به گزارش 28 آوریل یورو نیوز، طی بیش از پنج هفته بمباران، کارخانه‌ها هدف حملات آمریکا و اسرائیل قرار گرفته‌اند. اسرائیل مدعی شده که پایگاه صنعتی سپاه پاسداران ایران را هدف قرار داده است، اما حملات فراتر از آن بوده و به تاسیساتی که متعلق به این نیرو نیستند نیز اصابت کرده است.

این خسارات در سراسر اقتصاد ایران طنین‌انداز شده و موج‌های فزاینده‌ای از اخراج‌ها را تهدید می‌کند، آن هم در حالی که ایرانیان با قیمت‌های سرسام‌آور دست‌وپنجه نرم می‌کنند. قیمت مرغ در ماه گذشته ۷۵ درصد افزایش یافته و قیمت گوشت گاو و گوسفند ۶۸ درصد جهش داشته است. بسیاری از محصولات لبنی نیز تا پنجاه درصد گران‌تر شده‌اند.

وضعیت می‌تواند از این هم بدتر شود؛ چرا که ایالات متحده بنادر ایران را محاصره کرده و بسیاری از واردات و صادرات نفتی را که میلیاردها دلار درآمد به همراه داشت، مسدود کرده است. مشکلات اقتصادی، جرعه اعتراضات گسترده‌ای بود که پیش از جنگ سرکوب شدند و اکنون می‌تواند دوباره مردم ایران را به خیابان‌ها بکشاند.

با این وجود، ایران سلاح خاص خود را به سمت اقتصاد جهانی نشانه رفته است: کنترل بر تنگه هرمز. رهبران ایران می‌گویند تنها در صورتی این آبراه کلیدی برای انرژی جهانی بازگشایی می‌شود که محاصره برداشته شده و جنگ پایان یابد. آن‌ها بر این باورند که اقتصادی که طی دهه‌ها تحریم بین‌المللی برای خودکفایی ساخته شده، می‌تواند دردها را بیش از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تحمل کند.

به گفته رسانه‌های دولتی، غلامحسین محمدی، معاون وزیر کار، اعلام کرد که ایران حداقل یک میلیون شغل را مستقیماً به دلیل جنگ از دست داده است.

آیا محاصره دریایی آمریکا تولید نفت ایران را متوقف می‌کند؟

شاید آسیب‌بارترین بخش، ضربه اسرائیل به بزرگترین کارخانه‌های فولادسازی و پتروشیمی ایران باشد که بیشتر آن‌ها در موج حملات درست پیش از آتش‌بس ۸ آوریل رخ داد. طبق گزارش پایگاه خبری جماران، دو تولیدکننده بزرگ فولاد، «فولاد مبارکه» و «فولاد خوزستان»، به همراه کارخانه‌های کوچک‌تر، تولید را متوقف کرده‌اند و بیش از ۵۰ مجتمع پتروشیمی تعطیل شده‌اند.

این امر دو صادرات بزرگ غیرنفتی ایران را فلج کرده و افزایش قیمت‌ها همه چیز، از پلاستیک و لوله گرفته تا پارچه و بسته‌بندی مواد غذایی مانند شیر، کره و پنیر را تحت تاثیر قرار داده است.

البته حملات تنها عامل مشکلات اقتصادی نیستند. اینترنت از زمان اعتراضات تا حد زیادی قطع شده و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط متکی به فروش آنلاین را از بین برده است. حتی پیش از محاصره ایالات متحده، حملات ایران به امارات عربی متحده، که ایران حدود یک‌سوم واردات خود را از آن تأمین می‌کرد، منجر به قطع تجارت توسط آن کشور شد.

فرزند یکی از تولیدکنندگان فرش به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت که حدود ۸۰ درصد از تولیدکنندگان فرش و قالیچه در شهر کاشان، مرکز صنعت فرش‌بافی ایران، فعالیت خود را متوقف کرده‌اند. به گفته او، قیمت الیاف مصنوعی ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته که بخشی از اثرات جانبی حملات به تاسیسات پتروشیمی است.

مهدی بستانچی، مالک یک کارخانه تهویه مطبوع و کارخانه دوم تولید پنکه‌های خانگی، با بیش از ۱۱۵۰ کارمند، همچنان فعالیت می‌کند. او نیز به آسوشیتدپرس گفت: «صنعت ساختمان با شوک

عظیمی روبروست.» بیشتر پروژه‌های ساختمانی جدید متوقف شده و قیمت ورق آهن بیش از دو برابر شده است.

آقای بستانچی، عضو شورای صنعت‌گران ایران، می‌گوید: «تمام صنایع کشور به نوعی به صنعت پتروشیمی ما وابسته هستند.» یک مهندس شیمی شاغل در یکی از بزرگترین پیمانکاران خصوصی ساخت‌وساز ایران هم گفت که این شرکت نیمی از ۱۸۰ کارمند دفتر مرکزی خود را تعدیل کرده و مجبور شده پروژه‌های با فولاد مبارکه را تعطیل کند که به قیمت حذف ۱۰۰۰ شغل تمام شد.

یک ساکن تهران که درست قبل از جنگ شغل خود را به عنوان مهندس مشاور ترک کرده بود، اکنون وضعیت شغل جدیدی که برای آن برنامه‌ریزی کرده بود، نامشخص است. او که به دلایل امنیتی نخواست نامش فاش شود، گفت: «من جزو ۱ درصد برتر جامعه هستم و بیکارم. به شدت نگران آینده‌ام هستم.» او افزود که پس‌انداز مردم در هفته‌های آینده تمام خواهد شد.

مقامات جمهوری اسلامی در تلاشند به مردم اطمینان دهند که ایران می‌تواند درد اقتصادی را تحمل کند. دولت وعده داده است که بیمه بیکاری را افزایش دهد. اما دولت با افت درآمد رو به روست. محاصره ایالات متحده تهدیدی برای قطع درآمدهای صادراتی است: ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۹۸ میلیارد دلار صادرات داشت که کمتر از نیمی از آن نفت بود.

با این وجود، آقای بستانچی، مالک دو کارخانه معتقد است اقتصاد ایران می‌تواند پس از پایان جنگ دوباره به روال عادی بازگردد اما به شرطی که ایران بتواند به تحریم‌های بین‌المللی پایان دهد.

#### **\*اصفهان؛ بیش از سه ماه بلاتکلیفی ایلیا بن‌رشید و انتساب اتهام محاربه به وی**

به گزارش هه نگاو، ایلیا بن‌رشید، جوان ۲۲ ساله و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در شاهین‌شهر، با گذشت نزدیک به ۱۰۰ روز از زمان بازداشت، کماکان در زندان دستگرد اصفهان در وضعیت بلاتکلیفی به‌سر می‌برد. وی اخیراً با اتهام سنگین «محاربه» مواجه شده است.

#### **\*فریبرز کهن‌زاد بازداشت شد**

بر اساس گزارش شورای صنفی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، فریبرز کهن‌زاد، دانشجوی کارشناسی ورودی سال ۱۴۰۰، توسط نیروهای سرکوب بازداشت شده است. از محل نگهداری و شرایط وی خبری در دسترس نیست.

#### **\*تداوم بازداشت مصطفی محمدحسن**

به گزارش انجمن دانشجویان شریف، با وجود آزادی برخی دانشجویان بازداشت‌شده با قید وثیقه در روزهای گذشته، همچنان مصطفی محمدحسن، دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف، در زندان به سر می‌برد.

با وجود پیگیری‌ها، هنوز پیشرفتی در روند پرونده وی حاصل نشده و تلاش‌ها برای آزادی ضمن صدور قرار پابند الکترونیک نیز از طرف مراجع مربوطه بی‌پاسخ مانده‌اند.

همچنین برخی محدودیت‌ها در مواردی همچون انتقال کتب درسی به داخل زندان در روند تحصیلی وی اختلال ایجاد کرده‌است.

منبع 2 خیربالا: کانال دانشجویان متحد

**\*جان باختن کارگر راه سازی بر اثر واژگونی بولدوزر در ارتفاعات میربهاال ارومیه**

روزدوشنبه 7 اردیبهشت، یک راننده بولدوزر حین کار راه سازی در ارتفاعات میربهاال ارومیه، استان آذربایجان غربی بر اثر واژگونی بولدوزر جان خود را از دست داد.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)